

## رابرت وانوی، مبانی پیشگویی کتاب مقدس، سخنرانی ۱۹

یونیل ۲-۳

یونیل ۱۷:۲-۱۸. ۱.

دفعه قبل بحثی در مورد چگونگی درک یونیل ۲:۱۸ و آیات بعدی آن مطرح شد. اگر از خواندن بولاک به خاطر داشته باشید، او نقطه تمایز ساختاری اصلی کل کتاب را بین آیات ۱۷ و ۱۸ قرار می‌دهد. سوال در آیه ۱۸ این است که چگونه می‌توان این عبارت را درک کرد: «پس خداوند» یا «غیرت ورزید» یا «برای سرزمین خود غیرت ورزید و بر قوم خود ترحم خواهد کرد». بولاک آن را به عنوان «غیرت ورزید» درک می‌کند و این پاسخی به توبه فرضی بود که پس از دعوت به توبه در بخش قبلی رخ داده بود. بنابراین در آن فضای بین ۱۷ و ۱۸ او می‌گفت توبه انجام شده است و اکنون شما سابقه‌ای از پاسخ خداوند به آن توبه دارید.

اگر پیشنهادی را که دفعه قبل در پایان بحثمان مطرح کردم به خاطر داشته باشید، فکر می‌کنم ۱۸ مربوط به آینده است و از نظر تاریخی پاسخی به توبه‌ای که قبلاً انجام شده نیست. به نظر من کل این فصل آخرالزمانی است. شما تصویر ملخ‌ها را دارید که برای به تصویر کشیدن اسب‌هایی که از نظر آخرالزمانی قبل از روز خداوند علیه اسرائیل خواهند آمد، استفاده می‌شوند. اگر ۱۸ را چیزی گذشته و اتفاق افتاده در نظر بگیرید، با ۲۶ ب و ۲۷ ب که می‌گوید: «دیگر هرگز قوم من شرمنده نخواهند شد» چه می‌کنید؟ مطمئناً از زمان یونیل، قوم یهود شرمنده شده‌اند. به سختی می‌توان ادعا کرد که این چیزی است که قبلاً اتفاق افتاده است.

یونیل ۲۳:۲ ب باران یا معلم عدالت. ۲.

حالا من این را می‌گویم، همانطور که در مقدمه، جایی که با آیه ۲۳ ب شروع می‌کنیم، آمده است: «ای مردم صهیون، شاد باشید و در خداوند، خدای خود، شادی کنید، زیرا او باران‌های پاییزی را در عدالت به شما داده است. او مانند گذشته، باران‌های فراوان پاییزی و بهاری را برای شما فرستاده که من از آن می‌خوانم، جایی که می‌گوید: «او باران‌های پاییزی را در عدالت به شما NIV است.» در دارد که می‌گوید: «یا معلم برای عدالت». بنابراین سوال این می‌شود که K داده است»، یک یادداشت متنی این آیه در مورد چه چیزی صحبت می‌کند؟ مشکل ترجمه بین اینکه خداوند «باران‌های پاییزی را در عدالت» یا «معلم برای عدالت» می‌دهد چیست؟ تفاوت معنایی قابل توجهی وجود دارد.

به جزوه‌تان نگاه کنید، جایی که من به جای «او به شما داده است»، عبارت مورد بحث را به می‌گوید: NIVa. آمده است NIVb و NIVa چیست؟ زیر آن «moreh» عبری آورده‌ام. منظور از می‌گوید: «او باران‌های پاییزی را در پارسایی NIVb». زیرا او به شما معلمی برای پارسایی داده است»

مربوط می‌شود، این بخشی از تاریخ فرآیند ترجمه و NIVb و NIVa به شما داده است.» تا آنجا که به در ابتدا ترجمه شد، اینگونه خوانده می‌شد: «او به شما معلمی برای NIV است. وقتی NIV انتشار به صورت دوره‌ای ویرایش شده است NIV پارسایی داده است.» در طول چندین سال، متن

را می‌خواند NIV نمی‌دانم تا به حال با این مورد مواجه شده‌اید که در کلیسای نشسته‌اید و کسی و متنی که شما می‌بینید با آنچه می‌شنوید متفاوت است. این باعث سردرگمی می‌شد زیرا کمیته ترجمه، مسائلی را که در مورد ترجمه‌های خاص مطرح می‌شد، جمع‌آوری می‌کرد و سپس متن را با هر چاپ مختلف داشتند که با یکدیگر متفاوت بودند. NIV اصلاح می‌کرد. بنابراین آنها تعدادی چاپ NIV اضافی در یک مقطع زمانی خاص، آنها این کار را متوقف کردند. اخیراً آنها بسیاری از سوالاتی را که در مورد را به طور کامل ویرایش کردند و آن حدود یک NIV ترجمه‌ها مطرح می‌شد، جمع‌آوری کردند و متن و NIVa که نسخه بین‌المللی جدید امروز است، منتشر شد. اما در هر صورت، این TNIV سال پیش در است b.

در ترجمه کینگ جیمز آمده است: «او باران اولیه را به طور متوسط به شما داده است.» این به درک «باران» نیاز دارد. استاندارد جدید آمریکایی «باران» را دارد. تفسیر کیل و دلitz چ «معلم برای عدالت» را دارد. ترجمه سپتواگینتا «دو برابر» را دارد و من کاملاً مطمئن نیستم که این از کجا آمده *اشتباه شده باشد*؟ بگذارید چند ترجمه دیگر به شما «*moreh*» است. شاید در ترجمه اصطلاح ارائه دهم. نسخه استاندارد انگلیسی «باران اولیه برای اثبات حقانیت شما» را دارد. ترجمه جدید لیونینگ نیز «باران» را دارد. بنابراین اکثر ترجمه‌های اخیر به جای «معلم برای عدالت» «باران» هستند.

کلمه کلیدی در عبارت، **موره**، توسط برخی به عنوان «معلم» و توسط برخی دیگر به عنوان سابق "یا "باران اولیه" گرفته شده است، به دلیل برخی مشکلات متنی. این کمی پیچیده می‌شود، اما با "من همراه باشید. اکثر خاخام‌ها و مفسران اولیه آن را به عنوان "معلم" ترجمه می‌کنند. برخی دیگر، از جمله کالوین و بسیاری از مفسران مدرن، آن را به عنوان "باران اولیه" می‌شناسند. یکی از معانی **یوره** که در این متن می‌بینید، **موره** به معنای "معلم" است که مورد اختلاف است. **موره** به معنای معلم است. **یوره**، کلمه بعدی در آنجا، به معنای "باران اولیه" است. این بارانی است که از اواخر اکتبر تا اوایل دسامبر در زمان کاشت بذر بر فلسطین می‌بارد. اما این قابل تفسیر است. سپس **گیشیم** وجود دارد که در سطر دوم آن متن عبری آمده است. او برای شما باران باریده است، **گیشیم** «باران» و سپس در آخرین عبارت آن متن عبری، **کلمه «مُره»** به معنای «باران آخر» آمده است. به نظر می‌رسد در آن عبارت آخر، **کلمه «مُره»** به اشتباه استفاده شده است، احتمالاً به دلیل چاپ حروفی، یک خطای نسخه‌برداری، زیرا عبارت آخر مانند قبل «باران اول و آخر» خوانده می‌شود.

که دو بار در این آیه آمده است، بدون شک در «*moreh*» نکته قابل توجه این است که *کلمه* آخرین بند آیه به معنای «باران زود هنگام» استفاده شده است. به سختی می‌توان کار دیگری با آن انجام *آمده است* نه «*yoreh*» داد. در هر مورد دیگری در عهد عتیق، «باران زود هنگام» به صورت مگر در مواردی در انگلیسی که مشکلات متنی وجود دارد، اما این موضوع متفاوتی است، «*moreh*»

خب، چه اتفاقی دارد نوشته شده است «*moreh*» به صورت «*yoreh*» دیتوگرافی: به جای در عبارت آخر آیه، نمونه‌ای از خطای کاتب به نام دیتوگرافی «*moreh*» می‌افتد؟ به نظر من احتمالاً زودتر در آیه «*moreh*» نوشته است، به دلیل اینکه «*mem*» یک «*yodh*» است. کاتب به جای «*moreh*» و «*moreh*» آمده است. چشم شما به راحتی می‌تواند اشتباه کند، به آن نگاه می‌کنید و می‌بینید که در آنجا قرار می‌دهید، زیرا «*yodh*» را به جای «*mem*» بسیار شبیه به هم هستند. شما «*yoreh*» زودتر در آیه آمده است «*moreh*».

پیشگویی مسیحایی؟ رجوع کنید به قمران

به معنای «به اندازه»، *sadaqah* در سطر اول متن، یعنی *moreh* کلمه بعدی بعد از *کلمه* کافی در زمان مناسب است، اگر بخواهید آن را به جای معلم، به عنوان باران ترجمه کنید. این است؛ زیرا در معنای اخلاقی عدالت به کار رفته است، نه به معنای فیزیکی. چگونه *sadaqah* می‌تواند به باران اشاره کند؟ با این حال، می‌تواند به یک معلم اشاره داشته باشد. «معلم» *sadaqah* مفهومی یک تعبیر قدیمی یهودی است و در ولگات و راشی یافت می‌شود. به نظر من، دلیل خوبی برای درک این موضوع به روشی که قرن‌ها فهمیده می‌شد، وجود دارد؛ و آن «معلم برای عدالت» است. اگر معلم برای عدالت پذیرفته شود، احتمالاً آنچه در اینجا داریم به بهترین وجه به عنوان یک پیشگویی «مسیحایی در نظر گرفته می‌شود. اگر این فصل کاملاً مربوط به آینده باشد و در مورد آخرالزمان، روز خداوند صحبت کند، آن معلم عدالت وجود خواهد داشت. اگرچه برخی آن را به عنوان اشاره‌ای به یوئیل می‌دانند، اما اینکه یوئیل در مورد خودش صحبت می‌کند، مورد بحث است و در این زمینه، بعید است که او از این تعریف برای اشاره به خودش استفاده کند. کیل آن را به عنوان تمام پیامبرانی که در مسیح ایده‌آل شده‌اند می‌بیند؛ یا به عنوان قمران، به عنوان یک رهبر خاص. به یاد دارید که در جامعه‌ی طومارهای دریای مرده در قمران، یک معلم عدالت وجود داشت. آنها رهبر خود را «معلم عدالت» می‌نامیدند. آنها این را از کجا آوردند؟ آنها آن را از این متن گرفتند، تنها جایی در عهد عتیق که این عبارت را دارید.

بین آن را به عنوان اشاره‌ای به یوئیل . بین آن را به عنوان یک ارجاع به خود یوئیل می‌بیند می‌بیند. دیدگاه او فرض می‌کند که یوئیل در اینجا از چیزی صحبت می‌کند که قبلاً آمده است. پسران صهیون باید شاد باشند زیرا خدا یوئیل را به آنها داده است، معلمی که آنها را در عدالت راهنمایی می‌کند و در نتیجه خدا اکنون باران را فرستاده است. اما، همانطور که گفتم، به نظر من خیلی محتمل نیست که یوئیل خود را معلم عدالت بنامد و آمدن او را دلیلی برای شادی بداند.

علاوه بر این، دیدگاه بین تنها در صورتی قابل قبول است که رویکرد کلی‌تر او را در تفسیر یوئیل ۲ بپذیرید. کاری که او با یوئیل ۲ به طور کلی انجام می‌دهد این است که می‌گوید آیات ۱ تا ۱۱ باب دوم، یک طاعون محلی قریب‌الوقوع همزمان در زمان یوئیل است . به عبارت دیگر، او این را آخرالزمانی یا نمادین نمی‌پندارد. این یک طاعون ملخ همزمان قریب‌الوقوع است. او آیات ۱۹ تا ۲۶ باب دوم را به عنوان رهایی معاصر از ملخ‌های مهاجم می‌بیند و البته آیه ۲۳ در میانه آن قرار دارد. بنابراین وقتی آیه ۲۳ می‌گوید: «او معلم را برای عدالت می‌دهد»، منظور مسیح یا رهبر فرقه در قمران نیست، بلکه ظاهراً منظور یوئیل پیامبر است که به خودش و موعظه خودش اشاره می‌کند.

خب، اگر همه اینها در زمان خودش محقق شده باشد، او با آیه ۲۶ ب چه می‌کند؟ آیه ۲۶ ب می‌گوید: «دیگر هرگز قوم من شرم‌منده نخواهند شد.» بین می‌گوید آیه‌های ۲۶ ب و ۲۷ آموزه‌های مسیحایی آینده هستند. به عبارت دیگر، بین آیه‌های ۲۶ الف و ۲۶ ب یک فاصله زمانی وجود داشت. او آیه ۲۶ را از زمان یوئیل به زمان آخر منتقل کرد. این همان سوالی است که ما در مورد دیدگاه زمانی در مورد آن صحبت کردیم و مثال‌های واضحی وجود دارد که تقریباً مجبور می‌شوید بگویید یک فاصله زمانی وجود دارد. من فکر می‌کنم به عنوان یک اصل هرمنوتیکی این امکان وجود دارد، اما آیا دلیلی برای انجام این کار در اینجا وجود دارد؟ به نظر من جریان متن کاملاً طبیعی است. بنابراین فکر می‌کنم کل فصل به آینده نگاه می‌کند. یک نکته دیگر این است که ساکنان قمران به طور مشهود کلمه را به عنوان معلم» تفسیر می‌کردند زیرا رهبر آنها به عنوان معلم عدالت شناخته می‌شد. این عنوان اگر در آموزه‌های « یوئیل نیامده باشد، از کجا آمده است؟ بنابراین من تمایل دارم که آیه ۲:۲۳ را به عنوان «معلم عدالت» در نظر بگیرم، نه «باران‌های پاییزی و عدالت»؛ و همانطور که گفتم، فصل ۲ را به عنوان توصیفی از چیزهایی که قبل از آمدن یا در ارتباط با آمدن روز خداوند اتفاق خواهند افتاد، در نظر بگیرم.

اکنون می‌خواهم چند نکته دیگر را که در آن جزوه تحلیل وانوی: راه عهد، ارتباط معلم و باران در مورد ارتباط بین گام برداشتن در راه عهد و برکت باران وجود ندارد، اضافه کنم. فکر می‌کنم در این آیه ۲:۲۳، با این *موره/یوره* ، حداقل عنصری از بازی با کلمات و ارتباط مفاهیمی را دارید که ریشه در متون قبلی عهد عتیق دارند. اگر به خروج ۱۲:۲۴ بروید، در آنجا می‌خوانید: «خداوند به موسی گفت: 'به

کوه نزد من بیا و اینجا بمان و من لوح‌های سنگی را با شریعت و احکامی که نوشته‌ام به تو خواهم داد! « و آن دو کلمه آخر در آنجا، «برای تعلیم آنها». این یک فعل هوفال است. همان ریشه‌ای است که کلمات از آن می‌آیند. بنابراین، «من لوح‌های سنگی را به همراه قانون و دستوراتی که برای *yoreh* و *moreh* است *yora* آموزش آنها نوشته‌ام به شما خواهم داد.» شکل **هوفال فعل**.

به لاویان ۲۶: ۳-۵ مراجعه کنید. در آنجا می‌خوانید: «اگر از فرامین من پیروی کنید و از دستورات من پیروی کنید، باران را در موسمش برای شما خواهم فرستاد و زمین محصول خود را خواهد داد و درختان مزرعه میوه خود را خواهند داد. خرمن‌کوبی شما تا برداشت انگور ادامه خواهد داشت و برداشت انگور تا کاشت ادامه خواهد داشت و شما هر غذایی که می‌خواهید خواهید خورد و در سرزمین خود در امنیت زندگی خواهید کرد.» بنابراین در این متن باران آمده است. باران کلمه عبری **گیشیم** است؛ این کلمه دیگری است که در پایان متن استفاده شده است. باران زمانی داده می‌شود که بنی‌اسرائیل از تورات، یعنی دستورالعمل‌ها، پیروی کنند.

به اول پادشاهان ۳۵: ۸-۳۶ مراجعه کنید. این دعای سلیمان به مناسبت افتتاح معبد است و در آن دعا می‌گوید: «هنگامی که آسمان‌ها بسته شوند و به دلیل گناه قوم تو علیه تو، بارانی نبارد، و هنگامی که به سوی این مکان دعا کنند و نام تو را اعتراف کنند و از گناه خود به دلیل مصیبتی که بر آنها آورده‌ای، رویگردان شوند، آنگاه از آسمان بشنو و گناه بندگان، قوم خود اسرائیل را ببخش.» سپس به آنچه در ادامه می‌آید توجه کنید: «راه درست زندگی را به آنها بیاموز و باران بفرست.» «تعلیم بده» دوباره به **صورت یوره آمده است**: «راه درست زندگی را به آنها بیاموز و باران بفرست.» این ارتباط بین تعلیم و راه رفتن در راه درست و دادن باران را ببینید. «بر زمینی که به قوم خود به میراث داده‌ای، باران بفرست.»

به اشعیا ۲۰: ۳۰ و آیات بعدی مراجعه کنید. اشعیا می‌گوید: «اگرچه خداوند نان سختی و آب مصیبت را به شما می‌دهد، اما معلمان شما،» که همان «**مُره**» است، «دیگر پنهان نخواهند ماند. با چشمان خود آنها را خواهید دید.» به متن عبری نگاه می‌کنید و «آنها» معلمان شما هستند، «**مُره**» **تکرار می‌شود**. «چه به راست بیچید و چه به چپ، گوش‌هایتان صدایی از پشت سرتان خواهد شنید که می‌گوید: «این راه است، در آن گام بردارید»، «در راه تورات گام بردارید.» «آنگاه بت‌های خود را که با نقره پوشانده شده‌اند و تصاویر خود را که با طلا پوشیده شده‌اند، نجس خواهید کرد، آنها را مانند پارچه قاعدگی دور خواهید انداخت و به آنها خواهید گفت که با شما دور شوند.» در آیه ۲۳ چه آمده است؟ «او». «همچنین برای شما باران خواهد فرستاد»

بنابراین، تعدادی از آیات وجود دارد که در آنها ارتباطی بین گام برداشتن در راه عهد، معلمان و

باران وجود دارد. به طوری که زبان یوئیل ۲:۲۳ چیزی نیست که در متون قبلی عهد عتیق بی‌سابقه باشد. به نظر من، این حداقل تا حدودی پاسخی به استدلال‌های معمول ارائه می‌دهد که ترجمه بخش اول آیه ب به عنوان «او به شما معلمی برای عدالت داده است» بی‌معنی است. ادعا می‌شود که ترجمه کلمه ۲۳ در آنجا به عنوان «معلم» بی‌معنی است زیرا بقیه آیه در مورد باران صحبت می‌کند. ببینید «*moreh*» بخش آخر این است: «او مانند گذشته باران‌های فراوان، پاییز و بهار را برای شما فرستاد.» صرفاً به این دلیل که آن سطرهای آخر در مورد باران صحبت می‌کنند، باعث نمی‌شود که سطر قبلی در مورد معلم صحبت کند. اشارات قبلی فراوانی در عهد عتیق وجود دارد که معلم و باران و گام برداشتن در راه عهد را به هم مرتبط می‌کند.

بنابراین، به نظر من می‌توان به خوبی استدلال کرد که خداوند پیامبری یا معلمی را خواهد فرستاد که به شما راه درست را بیاموزد و این منجر به برکت موقتی باران خواهد شد. بنابراین این آیه کاملاً منطقی است و با کاربردهای قبلی زبان مشابه و ارتباط کلمات سازگار است.

بیا بید به شماره یوئیل ۲:۲۸-۳۲ و ارتباط آن با اعمال رسولان ۲:۱۴ به بعد - رویکردهای مختلف ۳. که فصل ۱، I یوئیل ۲:۲۸-۳۲ برویم. طرح کلی کتاب یوئیل که ما دنبال می‌کنیم این است. عدد رومی ۲، است، «شرح بلای ملخ معاصر». سپس بخش ۲ کتاب از ۲:۱ تا ۳:۲۱، حداقل از نظر من، شامل «سه نگاه کردیم. در a توصیف از روز آمدن خداوند» است که بر جنبه‌های مختلف تأکید دارد. ما همین الان به زیر آن که ۲:۱-۲۷ است، اولین توصیف از روز خداوند است. ب. ۲:۲۸-۳۲، «دومین توصیف از آمدن روز خداوند، و در اینجا وعده آمدن روح القدس مقدم بر روز خداوند خواهد بود. پس، بیا بید از آنجا شروع کنیم و به جلو برویم».

*کتاب مقدمه‌ای بر پیامبران عهد عتیق* نوشته هوبارت فریمن، او ۵ تفسیر مختلف از در تحقق پیشگویی یوئیل ۲:۲۸-۳۱ را فهرست می‌کند که در متن عبری، فصل ۳ کتاب یوئیل است. سوال این است که آیا پیشگویی یوئیل در مورد ریزش روح القدس در روز پنطیکاست، در اعمال رسولان محقق شد؟ اگر چنین بود، به چه معنا محقق شد؟ حالا احتمالاً باید به اعمال رسولان ۲، ۲۴-۲:۱۴ بپردازیم. در اعمال رسولان ۲:۱۴ می‌خوانید: «پطرس با یازده نفر از شاگردانش برخاست و با صدای بلند خطاب به جمعیت گفت: ای یهودیان و همه شما که در اورشلیم زندگی می‌کنید، بگذارید این را برای شما توضیح دهم. به آنچه می‌گویم با دقت گوش دهید. این مردان مست نیستند، همانطور که شما فکر می‌کنید، ساعت فقط نه صبح است. نه، این همان چیزی است که یوئیل نبی گفته است.» سپس از یوئیل به بعد نقل قول می‌کند و می‌گوید: «در روزهای آخر، خدا فرمود: روح خود را بر مردم خوام ۲:۲۸ ریخت. پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد و جوانان شما رؤیاها خواهند دید.» و غیره. من فکر

می‌کنم ۲:۱۶ جمله‌ای بسیار قوی است وقتی پطرس می‌گوید: «این همان چیزی است که یوئیل نبی گفته است.»

اما هنگام بررسی این پنج دیدگاه، این نکته را در نظر داشته باشید. یک دیدگاه «پایان در پنطیکاست» وجود دارد. ریدربوس معتقد بود که تحقق پیشگویی یوئیل باید به وقایع خاصی در زمان یوئیل و همچنین در پنطیکاست که در آن زمان پیشگویی به پایان رسید، اطلاق شود. به گفته کیل، چندین مفسر یهودی در این پیشگویی اشاره‌ای به رویدادی در زمان خود یوئیل دیده‌اند که تحقق آن در زمان آخر به پایان می‌رسد.

ب. «تحقق در پنطیکاست» است، پیشگویی از عصر مسیحایی که در آن روح خدا بر تمام بشر ریخته می‌شود و انجیل به همه ارائه خواهد شد. تحقق این پیشگویی در اعمال رسولان ۲:۱۷ یافت می‌شود، زمانی که روح القدس در پنطیکاست ریخته شد.

ج. «دیدگاه عدم تحقق یا آخرت‌شناختی». «وقتی روح القدس در روز پنطیکاست نازل شد، در راستای تحقق پیشگویی یوئیل نبود. این پیشگویی هرگز محقق نشده است و در عصر حاضر که کلیسا در حال شکل‌گیری است، محقق نخواهد شد.» این گفته‌ی گابلین است که نوعی دیدگاه کلاسیک تدبیرگرایانه را بیان می‌کند. «پس از تحقق این امر، خداوند رابطه‌ی خود را با قوم زمینی خود [اسرائیل] آغاز خواهد کرد؛ وقتی او در روزگار خود ظاهر شود، آنها تحقق این پیش‌بینی بزرگ را تجربه خواهند کرد.» بنابراین او واقعاً می‌گوید که شما دو نفر دارید، اسرائیل و کلیسا، و این مربوط به اسرائیل است. این پیشگویی محقق نشد. کلیسا آن راز یا پیرانتز است که عهد عتیق چیزی در مورد آن نمی‌داند.

د. «دیدگاه تحقق معمول» نبوت یوئیل را به عنوان تحقق «جدی» در پنطیکاست می‌بیند، اما آن را تا هزاره به طور کامل محقق نمی‌داند. این موضوع در تفسیر جیمیسون، فاست و براون بیان شده است. این دو معنا دارد، در پنطیکاست محقق شده اما از نظر فرجام‌شناسی با تحقق نهایی تکمیل می‌شود. پنطیکاست می‌گوید: «پطرس تجربه پیش روی آنها را به عنوان تحقق نبوت یوئیل ذکر نمی‌کند، بلکه آن «را به عنوان قیاسی با تحقق آن در عصر هزاره ذکر می‌کند»

و سپس ه. «یک دیدگاه تحقق مداوم»، پیشگویی یوئیل از پنطیکاست تا زمان آخرالزمانی به طور مداوم تحقق خواهد یافت. بنابراین این پنج گزینه وجود دارد. مردم در این مورد به جهات مختلفی رفته‌اند.

پس بیایید به پیشگویی نگاه کنیم. اگر به ۲:۲۸ در یوئیل بروید، می‌خوانید: «و پس از آن یوئیل ۲:۲۸ روح خود را بر همه مردم خواهم ریخت. پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد، پیران شما خواب‌ها خواهند دید، جوانان شما رؤیاها خواهند دید. حتی بر بندگانم، چه زن و چه مرد، روح خود را در آن روزها خواهم ریخت. در آسمان‌ها و تمام زمین، شگفتی‌ها، خون و آتش و توده‌های دود را نشان خواهم

داد. خورشید قبل از روز بزرگ و وحشتناک خداوند به تاریکی و ماه به خون تبدیل خواهد شد. و هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. زیرا بر کوه صهیون و در اورشلیم، همانطور که خداوند گفته «است، حتی در میان بازماندگانی که خداوند آنها را فرا می‌خواند، نجات خواهد یافت».

پس بیابید کمی دقیق‌تر به این موضوع نگاه کنیم. این عبارت «بعد از آن» و/یا «در روزهای آخر» به Septuagint به معنای «و پس از آن» است. در ترجمه NIV با کلماتی شروع می‌شود که در ترجمه معنای «بعد از این چیزها» است. در نقل قول پطرس از این عبارت در اعمال رسولان ۲:۱۷، او «بعد از آن» را با یک عبارت دیگر جایگزین می‌کند، به نظر من، یک تعیین زمان دقیق‌تر. به جای آن «بعد از آن» کلی، او می‌گوید «در روزهای آخر». اگر به اعمال رسولان ۲:۱۷ نگاه کنید، «در روزهای آخر، خدا می‌گوید، روح خود را بر آنها خواهم ریخت». بنابراین، به نظر من پطرس به طور تفسیری «بعد از آن» را با تعیین زمان دقیق‌تر «در روزهای آخر» جایگزین می‌کند. بنابراین، این همان معنایی است که عبارت باید به آن معنا فهمیده شود. این بدان معناست که نباید با ارجاع مستقیم به ترتیب زمانی آنچه در متن یونانی ۲ آمده است، در نظر گرفته شود.

به عبارت دیگر، وقتی به آیه ۲:۲۸ برمی‌گردید و در آن آمده است: «و پس از آن» پس از آمدن او، منظور بعد از چیزی که در آیه ۲۷ توصیف شده است، نیست. یونانی ۲:۲۷ می‌گوید: «خواهید دانست که من در اسرائیل هستم، که من خداوند خدای شما هستم، که دیگری نیست، و قوم من دیگر هرگز شرمنده نخواهند شد.» پس شما در اینجا در آیه ۲۸ بخش جدیدی را شروع می‌کنید. آن تعیین زمان در مورد روزهای آخر صحبت می‌کند، و به ترتیب به آنچه در متن یونانی ۲ آمده است، اشاره نمی‌کند. به یاد داشته باشید که در متن عبری یک فصل جداگانه وجود دارد که با یونانی ۲:۲۸ شروع می‌شود. اگرچه، البته، این در متن اصلی نبود، اما به نظر می‌رسد که در آنجا وقفه‌ای وجود دارد که به گذشته برمی‌گردد. از نقل قول عهد جدید به نظر می‌رسد که «پس از آن» در یونانی ۲:۲۸ به معنای اشاره به دوره جدیدی در برخورد خدا با قومش استفاده شده است. «و پس از آن» این دوره جدیدی است که در آن من کاری برای قوم خود انجام خواهم داد، این همان چیزی است که مد نظر است. «ایام آخر» با ظهور اول مسیح آغاز می‌شود و سپس با ظهور دوم و وقایع مربوط به آن پایان می‌یابد.

به نظر من اگر او برخی از متونی را که در آنجا فهرست کردم نوشته باشد، این یک روش بسیار رایج است که در آن از «ایام آخر» در عهد جدید و زمان بین ظهورها استفاده می‌شود. این تعیین زمان مقدماتی است و بهتر است «بعد از آن» را به معنایی که پطرس آن را تفسیر کرد، بفهمیم و اضافه کنیم که در ایام آخر»، این دوره جدید برخورد خدا با قوم خود و زمان بین ظهورها، «روح خود را بر همه مردم» «خواهم ریخت».

## ریزش از روح

عبارت «روح خود را بر همه مردم خواهم ریخت» باید کمی دقیق‌تر بررسی شود. در عهد عتیق، رسیدن به روح کاملاً فاقد کمبود نبود؛ روح القدس قطعاً در دوره عهد عتیق فعال بود. اما اکنون در این دوره جدید از فعالیت الهی، روح القدس بر همه انسان‌ها ریخته خواهد شد. قرار است اتفاق جدیدی رخ دهد.

در دوره عهد عتیق، به روح القدس در ارتباط با توانمندسازی برای انجام وظایف یا کارکردهای خاص در تئوکراسی برای افراد منتخب اشاره شده است. اگر به اشارات به روح القدس نگاه کنید، اینها نوع اشاراتی هستند که می‌یابید. به عنوان مثال، روح بر صنعتگرانی که خیمه را ساختند، خروج ۳:۳۱، نازل شد و آنها را قادر ساخت تا کارهای هنری خود را انجام دهند. روح القدس بر تعدادی از داوران، داوران ۶:۳۴ و ۱۱:۲۹ نازل می‌شود و آنها را قادر می‌سازد تا اسرائیل را از ستمگرانشان رهایی بخشند. روح القدس بر شائول و داوود هنگامی که در حال پادشاه شدن بودند، در اول سموئیل ۱۳:۱۶-۱۴ نازل می‌شود تا آنها را برای وظایف تئوکراسی که به آنها داده شده بود، مجهز کند. روح القدس بر انبیا نازل می‌شود تا آنها را قادر سازد تا کلام خدا را بیان کنند، دوم سموئیل ۳۲:۲۰-۳۸. در چنین مواردی، روح بر این افراد نازل می‌شد تا آنها را برای وظیفه خاص خود در تئوکراسی واجد شرایط و تقدیس کند. در دوره جدید، که یوئیل درباره آن صحبت می‌کند، روح بر همه انسان‌ها نازل خواهد شد. این یک اصطلاح کلی است (بصار: جسم)، اما دلالت بر این دارد که کار روح محدود به رهبران خاصی از قوم نخواهد بود، و اگر نه مستقیماً، قطعاً به طور ضمنی، این هدیه را فراتر از قوم اسرائیل، به همه انسان‌ها گسترش می‌دهد؛ لزوماً محدود به اسرائیل نیست.

حال با این اوصاف، نباید این را به این معنی برداشت کرد که روح القدس در دوران عهد عتیق برای تأثیرگذاری بر تجدید حیات و رشد معنوی قوم خدا عمل نکرده است، هرچند در عهد عتیق هیچ اشاره صریحی به چنین کاری از جانب روح القدس نشده است.

## روح القدس در عهد عتیق

لئون وود، در اثری با عنوان «روح القدس در عهد عتیق»، اشارات متعدد عهد عتیق به روح القدس و کار روح القدس را مورد بحث قرار می‌دهد. در مورد کار روح القدس در دوره عهد عتیق، منابع زیادی وجود ندارد. من فکر می‌کنم آن کتاب کوچک، نوشته لئون وود، به خوبی این بحث را در بر می‌گیرد، همانطور که پیدا خواهید کرد. متأسفانه دیگر چاپ نمی‌شود - ممکن است جایی به آن برخورده

باشید، اما بحث بسیار مفیدی در مورد روح القدس در عهد عتیق است. نتیجه‌گیری او این است که صرفاً به این دلیل که در عهد عتیق هیچ اشاره‌ای به کار روح در ایجاد تجدید معنوی در فرد نشده است، دلیل کافی برای نتیجه‌گیری مبنی بر فعال نبودن روح در این مرحله نیست. ابراهیم و داوود و دیگران نمونه‌هایی از مردان با ایمان هستند. آیا آنها با تلاش‌های خود جدا از روح خدا به چنین چیزی دست یافتند؟ آیا آنها منبعی داشتند که برخی از مؤمنان عهد جدید ندارند؟ شواهدی مبنی بر اینکه روح در زندگی مقدسین عهد عتیق در حال کار بوده است، در نحوه زندگی آنها دیده می‌شود. اگر زندگی آنها ثمرات روح القدس را که در عهد جدید تعریف شده است، نشان می‌داد، پس روح القدس باید در آنها عمل می‌کرده است. چگونه زندگی می‌تواند ثمره روح القدس را نشان دهد اگر روح القدس در فرد برای تولید آن عمل نکند؟

بر اساس آموزه‌های عهد جدید در مورد کار روح القدس، می‌توانیم نتیجه بگیریم که مقدسین عهد عتیق درست مانند مقدسین عهد جدید، از نو زاده می‌شدند. البته این یک استنتاج است، اما به نظر من یک استنتاج الهیاتی مشروع است. چرا عهد عتیق در مورد تجدید حیات بحث نمی‌کند؟ وود می‌گوید: «پاسخ فقط می‌تواند این باشد که خدا صلاح دید تا زمان عهد جدید با این وحی صبر کند.» بنابراین اساساً به نظر می‌رسد که این یک نتیجه‌گیری مشروع است.

وود با نقل قول از ابراهام کاپیر، که او نیز کتابی در مورد کار روح القدس نوشته است، می‌گوید: «بنی اسرائیل مؤمن نجات یافتند. از این رو، آنها باید فیض نجات‌بخش را دریافت کرده باشند، که یک نتیجه منطقی است، و از آنجایی که فیض نجات‌بخش بدون عملکرد درونی روح القدس غیرممکن است، نتیجه می‌شود که او عامل ایمان در ابراهیم و همچنین در خودمان بوده است.» من فکر می‌کنم این خلاصه‌ای از موضوع است.

#### تفاوت کار روح در عهد عتیق و عهد جدید [وود]

اما اگر چنین است، پس چه تفاوتی بین کار روح القدس در دوران عهد عتیق و در دوره جدید روزهای آخر وجود دارد؟ روح القدس در زندگی مقدسین عهد عتیق در حال احیا و تقدیس بود - این پیشگویی یوئیل درباره چیست؟ در روزهای آخر، در زمان بین ظهور مسیح، من روح خود را بر تمام بشر خواهم ریخت. چه تفاوتی وجود دارد؟

وود اشاره می‌کند که تعدادی از اصطلاحات معمولاً با کار روح در عهد جدید مرتبط هستند، از جمله: تجدید حیات، ساکن شدن در بدن، مهر و موم کردن، پر کردن، توانمندسازی و غسل تعمید. وود استدلال می‌کند، و من فکر می‌کنم این کار را به خوبی در کتابش انجام می‌دهد، که تجدید حیات، ساکن شدن در بدن، مهر و موم کردن، پر کردن و توانمندسازی همگی در هر دو دوره یافت می‌شوند. بنابراین،

تنها تعمید روح است که در عهد جدید جدید است - این تر اوست. این جنبه از کار روح است که در پنطیکاست آغاز شد. اکنون از وود نقل قول می‌کنم: «دلیل این امر این است که تعمید با کلیسا ارتباط دارد و کلیسا تا پنطیکاست به عنوان یک ارگانیزم مجزا آغاز نشد. در واقع، این تعمید مؤمنان توسط روح القدس بود که کلیسا را افتتاح کرد... این زمانی آغاز شد که مؤمنان برای تشکیل آن تعمید گرفتند. این اتفاق زمانی افتاد که روح بر مؤمنانی که در روز پنطیکاست در اورشلیم جمع شده بودند، نازل شد (اعمال رسولان ۲: ۱-۱۲).

حقیقت تعمید روح در اول قرن‌تین ۱۳: ۱۲-۱۴ بیان شده تعمید روح در اول قرن‌تین ۱۳: ۱۲-۱۴ است. اگر این سوال را بپرسید که «تعمید روح چیست؟» اول قرن‌تین ۱۳: ۱۲ آن را اینگونه تعریف می‌کند: «زیرا همه ما به یک روح در یک بدن تعمید یافته‌ایم، چه یهودی باشیم چه غیریهودی، چه برده باشیم چه آزاد؛ و همه از یک روح سیراب شده‌ایم.» بنابراین، وود اظهار می‌کند: «تعمید روح عملی است که مسیحیان را در یک پیوند مشترک کلیسایی به هم پیوند می‌دهد.» اگر به اول قرن‌تین ۱۳: ۱۲ در متن آن مراجعه کنید، در متن، قسمتی وجود دارد که پولس در مورد وحدت بدن مسیح صحبت می‌کند. ما یک بدن هستیم و تعمید روح، آن حس بدن مسیح بودن و وحدتی را که بین مؤمنان در سراسر موانع نژادی، قومی و زبانی وجود دارد، به ارمغان می‌آورد. اکنون این یک بدن وجود دارد؛ یک بدن روحانی از وحدت در مسیح. این همان کاری است که غسل تعمید انجام می‌دهد. غسل تعمید «کاری است که مسیحیان را در پیوند مشترک رابطه کلیسایی به هم پیوند می‌دهد. آنها را متحد می‌کند و به آنها وحدت ارگانیک می‌بخشد. به آنها حس عشق متقابل می‌دهد و هدفی مشترک را پیش روی آنها قرار می‌دهد. به دلیل این غسل تعمید وحدت‌بخش است که مسیحیان، هر جا که ملاقات می‌کنند، احساس نزدیکی و دوستی فوری... می‌کنند. آنها یک گروه هستند، بخشی از یک اقدام بزرگ

لحظه غسل تعمید همان لحظه تجدید حیات است؛ در واقع، همان لحظه‌ای است که در آن ساکن « شدن و مهر و موم شدن آغاز می‌شود... دلیل آغاز غسل تعمید در پنطیکاست - که روش دیگری برای بیان دلیل افتتاح کلیسا است - این بود که نیاز به گسترش پیام انجیل وجود داشت. مسیح اکنون زندگی کرده و مرده بود و مژده نجات آماده بود تا به دنیای گمشده برده شود. در طول دوران عهد عتیق، خدا تا حد زیادی کلام خود را در اسرائیل تفکیک کرده بود، تا زمانی که امکان نجات انسان در کار مسیح فراهم شود. اکنون که این کار انجام شده بود، دیگر نیازی به تفکیک نبود. جهان باید از این تدارک شگفت‌انگیز مطلع می‌شد. دیگر نباید یک قوم خاص - به عنوان یک ملت - وجود داشته باشد، بلکه یک قوم جهانی، بدون مانع یا «دیوار میانی جدایی» بین آنها. به همین دلیل، یک ارگانیزم جدید فراخوانده شد که بر مبنایی متفاوت از ملت اسرائیل تأسیس شود. این ارگانیزم کلیسا بود. این ارگانیزم به وحدت، حس وحدت نیاز

داشت تا بتواند ... را تشخیص دهد.» و خود را به عنوان یک گروه مشترک معرفی می‌کند. این امر در ابتدا با غسل تعمید جمعی مؤمنان در پنطیکاست تأمین شد و همچنان با غسل تعمید مداوم افراد در زمان تولد دوباره آنها تأمین می‌شود.

حالا وود می‌گوید: «آخرین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که غسل تعمید شامل جنبه‌ای از توانمندسازی برای مؤمن است... این قدرت برای اعلام انجیل قبلاً توسط مسیح در لوقا ۲۴:۴۹ وعده داده شده بود: «در اینجا در شهر اورشلیم بمانید تا زمانی که از اعلی به شما قدرت عطا شود.» عیسی دوباره آن را در اعمال رسولان ۱:۸، درست قبل از عروجش به آسمان، وعده داد: «اما پس از آنکه روح القدس بر شما نازل شود، قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا اقصای زمین شاهد من خواهید بود.» بنابراین می‌بینید که وود می‌گوید که ریختن روح خدا بر تمام انسان‌ها چیزی است که قرار است در روزهای آخر، قبل از روز خداوند، اتفاق بیفتد و شامل این تعمید توسط روح و توانمندسازی برای اعلام انجیل است. این چیزی است که جدید است، این چیزی است که با دوره عهد عتیق متفاوت است. این با تفاوتی که اکنون در سازماندهی قوم خدا در گذار از یک بدن ملی به یک بدن روحانی آغاز می‌شود، مرتبط است، که از مرزهای قومی و ملی عبور می‌کند.

بحث وود البته مسئله اسرائیل و کلیسا را مطرح می‌کند. به نظر من، کسانی هستند که بیش از حد، گسستگی بین کلیسا و اسرائیل را مطرح کرده‌اند. این دیدگاه که این امر در پنطیکاست محقق نشده، بلکه قرار است در آینده در اسرائیل محقق شود، این پتانز بزرگ جایی است که افراطگرایی‌ها شکل می‌گیرند. این یک دیدگاه تدبیری است که هیچ پیوستگی بین دو قوم، دو سرنوشت و دو راه نجات نمی‌بیند؛ به طور خلاصه، یک گسستگی کامل. برخی دیگر تمایز بسیار کمی بین اسرائیل و کلیسا قائل شده‌اند. به عبارت دیگر، برخی می‌گویند کلیسا در عهد عتیق است.

به نظر من یک قوم خدا وجود دارد، اما اصل سازماندهی متفاوت است. در عهد عتیق ملی است، در عهد جدید فراملی است، که در مقایسه با این سازمان ملی و قومی، ویژگی‌های معنوی دارد. بنابراین دیگران تمایز کمی قائل شده‌اند؛ آنها بدون شناخت کافی از اصل متفاوت سازماندهی و تدبیر جدید برخورد خدا با قومش، که با نزول روح خدا در پنطیکاست آغاز می‌شود، یکسان در نظر گرفته می‌شوند. دیدگاه کتاب مقدس، دیدگاه یک قوم خدا است، اما دو شکل متمایز از سازماندهی. در یک راه نجات از طریق فیض از طریق ایمان، پیوستگی وجود دارد. فکر می‌کنم این واضح است. من فکر نمی‌کنم که مردم در عهد عتیق با اعمال نجات می‌یافتند، بلکه در عهد جدید به لطف فیض نجات می‌یافتند. این ناپیوستگی زیادی است. در عین حال، در تغییر از یک بدن معنوی ملی به یک بدن معنوی فراملی، تا حدی پیوستگی وجود دارد. بنابراین، مسئله حفظ پیوستگی و ناپیوستگی در دیدگاه مناسب است، و این اغلب انجام نمی‌شود.

بازگشت به یونیل ۲:۲۸ الف و کار روح در اعمال رسولان

حالا برگردیم به متن خودمان. یونیل ۲:۲۸ می‌گوید: «روح خود را بر همه مردم خواهم ریخت» و سپس ادامه می‌دهد: «پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد، پسران شما خواب‌ها خواهند دید، جوانان شما رؤیاها خواهند دید. حتی بر بندگانم، چه زن و چه مرد، در آن روزها روح خود را خواهم ریخت.» آیات ۲۸ و ۲۹ را چگونه درک می‌کنیم؟ به نظر می‌رسد منظور در اینجا این است که روح به طرق قابل تشخیص به قوم خدا صرف نظر از سن، جنسیت، مقام یا موقعیت زندگی آنها داده خواهد شد، حتی بردگان نیز دریافت‌کننده میوه‌های روح خواهند بود. اینها همه جسم هستند و به همه نوع مردم روح داده خواهد شد.

هنگام تفسیر اهمیت عبارات «نبوت»، «رویا‌های رویایی»، «دیدن رؤیاها»، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد که از پیشنهاد کالوین پیروی کنیم، زمانی که می‌گوید یونیل در اینجا با اصطلاحات رایج عهد عتیق در مورد عملکرد روح القدس صحبت می‌کند. به عبارت دیگر، او از زبانی استفاده می‌کند که در مورد نحوه عملکرد روح القدس در زمان یونیل فهمیده می‌شد. آنها را نباید به طور سختگیرانه‌ای به عنوان محدود به این عملکردهای خاص در رابطه با تحقق آنها تفسیر کرد. همچنین نباید فرض کرد که نبوت باید محدود به پسران و دختران باشد زیرا می‌گوید «پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد». فقط پسران و دختران نبوت خواهند کرد؟ یا اینکه «رویا‌های رویایی» محدود به پیرمردان خواهد بود. همانطور که کیل پیشنهاد می‌کند، این کاربرد را می‌توان به بهترین وجه به عنوان «فردگرایی بلاغی» در نظر گرفت. به عبارت دیگر، آنچه در اینجا گفته می‌شود این است که کار چندگانه روح القدس به طور قابل اثبات به افراد در تمام جنبه‌های زندگی در عصر جدیدی که یونیل از آن صحبت می‌کند، داده خواهد شد. تمام کارهای متنوع روح القدس بر مردم از هر سن و هر نقشی در جامعه ظاهر خواهد شد.

عیسی در متون مختلف عهد جدید در انجیل وعده داده بود که روح القدس خواهد آمد. شاگردان بدون شک مشتاقانه منتظر تحقق این وعده بودند. در اعمال رسولان ۱: ۴-۷ پس از رستاخیز، عیسی به شاگردان گفت که اورشلیم را ترک نکنند، بلکه «منتظر آن عطایی باشید که پدرم وعده داده بود و از من شنیده‌اید.» به اعمال رسولان ۱ نگاه کنید، اتفاق جالبی رخ داده است. در آیه ۴ می‌خوانید که او می‌گوید: اورشلیم را ترک نکنید، بلکه منتظر آن عطایی باشید که پدرم وعده داده بود و از من شنیده‌اید. زیرا «یحیی با آب تعمید می‌داد، اما شما پس از چند روز با روح القدس تعمید خواهید یافت.» پاسخ چیست؟ به آیه نگاه کنید: «پس چون گرد هم آمدند، پرسیدند: «خداوند، آیا در این زمان پادشاهی را به اسرائیل ۶ باز خواهی گردانیدی؟» او به ایشان گفت: «برای شما نیست که زمان‌ها یا تاریخ‌هایی را که پدر با اختیار خود تعیین کرده است، بدانید. اما وقتی روح القدس بر شما نازل شود، قدرت خواهید یافت و شاهدان من در

«اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا اقصای زمین خواهید بود

عیسی گفت: «اورشلیم را ترک نکنید، بلکه منتظر آن موهبتی باشید که پدرم وعده داده و از من شنیده‌اید.» نکته جالب در مورد پاسخ شاگردان، جمله‌ای است که از عیسی می‌پرسند: «آیا در این زمان پادشاهی را به اسرائیل باز خواهید گرداند؟» واضح است که به دلایلی شاگردان آمدن روح را با آمدن پادشاهی مرتبط می‌دانستند. به نظر من راه دیگری برای درک پاسخ آنها در آنجا وجود ندارد. عیسی می‌گوید: «منتظر وعده روحی باشید که به شما گفتم.» روح چه ارتباطی با آمدن پادشاهی دارد؟ چرا آنها آمدن روح را با آمدن پادشاهی مرتبط می‌کنند؟ محتمل‌ترین توضیح این است که آنها به خوبی از ارتباطی که یوئیل بین آمدن روح و آمدن روز خداوند برقرار کرده بود، آگاه بودند، زیرا در این متن در ۲:۲۸ و پس از آن می‌بینید، این ریزش روح خدا در آیه ۲۸ درست به آیه ۳۱ می‌رسد، زمانی که «خورشید به تاریکی و ماه به خون تبدیل خواهد شد، قبل از آمدن روز بزرگ و وحشتناک خداوند.» نزول روح القدس مقدم بر فرا رسیدن روز خداوند خواهد بود. آنها این دو را به هم مرتبط می‌دانستند. هر دو متعلق به یک دوره از روزهای آخر هستند.

با این حال، پاسخ عیسی از تعهد خاصی به زمان احیای پادشاهی اسرائیل اجتناب می‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد بهتر است تحقق آیات ۲۸ و ۲۹ را از پنطیکاست آغاز شده و تا دوره روزهای آخر ادامه یابد. حداقل نظر من این است. پطرس به وضوح می‌گوید وقایعی که در روز پنطیکاست در اورشلیم رخ داد، همان چیزی بود که یوئیل نبی گفته بود. مفهوم تحقق مداوم باید از دیدگاه تحقق جزئی یا تحقق معمولی متمایز شود. این پیشگویی در پنطیکاست تحقق یافت و در طول دوره روزهای آخر همچنان تحقق می‌یابد. مدت زمان روزهای آخر مشخص نیست. این فاصله زمانی چقدر است؟ بدیهی است که از پنطیکاست تاکنون، چند هزار سال است. بنابراین به نظر من این همان چیزی است که مد نظر است.

#### یوئیل ۲: ۳۰-۳۲ آیات و روح القدس در پنطیکاست ۴.

بیاید به فصل دوم آیات ۳۰ تا ۳۲ از یوئیل برویم. این پیشگویی در ادامه، نشانه‌هایی را در آسمان و زمین اعلام می‌کند که هر دو پیش از روز تاریک و وحشتناک خداوند رخ می‌دهند. به نظر من، بهتر است این نشانه‌ها را هنوز محقق نشده بدانیم. ممکن است کسی بپرسد که چرا پطرس تقریباً کل متن را نقل کرده است، در حالی که تنها بخشی از آن در روز پنطیکاست محقق شده است؟ به نظر من، ما در اینجا نمونه‌ای از دیدگاه زمانی نبوی داریم که در آن دو چیز در کنار هم قرار گرفته‌اند، که هر دو متعلق به روز آخر هستند اما توسط یک دوره زمانی اعلام نشده از هم جدا شده‌اند. هم اعطای روح به تمام بشر و هم روز خداوند متعلق به دوره برخورد خدا با قومش است که در آن نقطه خاص آغاز می‌شد. دوره زمانی که دو ظهور مسیح را از هم جدا می‌کند، هرگز در کتاب مقدس ذکر نشده است. بلکه ایده

قربیب الوقوع بودن آن است، که می‌تواند در هر زمانی، در رابطه با زمان آخر، رخ دهد. بنابراین، آماده باشید، چیزی است که می‌گوید.

نظر من این است که به نوعی آینده‌ای برای اسرائیل وجود دارد. به نظر من در عهد عتیق در پیشگویی‌های متعدد در مورد پراکندگی و تبعید، در بازگشت بعدی به سرزمین، تأکید بیش از حد شده است. اما من به دنبال یک معلم برای اسرائیل هستم و به نظر من از رومیان ۹-۱۱، پولس از این امر پشتیبانی می‌کند. اما این همان چیزی است که در پشت این گفته نهفته است.

باوینک (جزم/اندیشی اصلاح‌شده) در مورد روح

بگذارید توجه شما را به پاراگرافی از هرمان باوینک در کتاب «اصول جزمی اصلاح‌شده» جلب کنم. جالب است که هرمان باوینک یک کتاب الهیات چهار جلدی نوشته است، اثری عالی. مدت زیادی به انگلیسی ترجمه نشده بود. همین الان در حال ترجمه است؛ دو یا سه جلد اول از چهار جلد در چند سال گذشته منتشر شده‌اند. فکر نمی‌کنم جلد چهارم را داشته باشند. اما فکر کردم ارزش دارد این پاراگراف در مورد روح القدس را اینجا قرار دهم. به آنچه او می‌گوید توجه کنید: «اولین کاری که مسیح پس از جلال یافتنش انجام داد، فرستادن روح القدس بود. زیرا او در دست راست خدا قرار گرفت و وعده روح القدس را دریافت کرد، یعنی همان روح القدسی که خدا در عهد عتیق وعده داده بود. اکنون او می‌توانست این روح القدس را برای قوم خود روی زمین بفرستد (اعمال رسولان ۲:۳۳)... قبل از عروج، روح القدس وجود نداشت، زیرا مسیح هنوز جلال نیافته بود.» این جمله جالبی در یوحنا ۷:۳۹ است که فکر می‌کنم به راحتی سوءتفاهم است. باوینک می‌گوید: «این نمی‌تواند به این معنی باشد که روح القدس قبل از جلال مسیح وجود نداشته است، زیرا در عهد عتیق دائماً از روح خدا صحبت می‌شود.» بنابراین وقتی یوحنا ۷:۳۹ می‌گوید، قبل از عروج، روح القدس وجود نداشته است، زیرا «عیسی هنوز جلال نیافته بود»، به این معنی نیست که روح القدس وجود نداشته است، نمی‌تواند وجود داشته باشد. «و انجیل‌ها به ما می‌گویند که یحیی تعمیددهنده و الیزابت از روح القدس پر شدند.» قبل از پنطیکاست، پر شدن وجود دارد. در لوقا ۱:۱۵ آمده است که «شمعون به وسیله روح در معبد بود»، لوقا ۲:۲۶-۲۷. اینکه عیسی به وسیله روح بدون هیچ معیاری مسح شد، یوحنا ۳:۳۴. و همچنین هدف نمی‌تواند این باشد که شاگردان نمی‌دانستند که روح القدس قبل از پنطیکاست وجود دارد. زیرا آنها توسط عهد عتیق و خود عیسی تعلیم داده شده بودند. حتی شاگردان یوحنا در افسس به پولس گفته بودند که در هنگام غسل تعمیدشان نه تنها روح القدس را دریافت نکرده‌اند، بلکه نشنیده‌اند که آیا روح القدسی وجود دارد یا خیر (اعمال رسولان ۱۹:۲).

این بدان معنا نیست که وجود روح القدس برای آنها ناشناخته بوده است، بلکه فقط می‌گوید که آنها

از کار خارق‌العاده روح القدس، یعنی کار شگفت‌انگیز در پنطیکاست، چیزی نشنیده بودند. آنها به خوبی می‌دانستند که یحیی پیامبری است که از جانب خدا فرستاده شده و به روح او مزین شده است، اما آنها شاگرد یحیی باقی مانده و شاگرد عیسی نشده بودند. بنابراین، آنها خارج از حلقه مؤمنانی که در روز پنطیکاست روح القدس را دریافت کردند، باقی ماندند.

بنابراین، رویدادی که در این روز رخ داد، نمی‌تواند معنای دیگری جز این داشته باشد که روح القدس، که پیش از این وجود داشت و هدایای بسیاری بخشید و قدرت‌های بسیاری را به کار گرفت، اکنون، پس از عروج مسیح از میان قومش، اکنون آمده است تا در قومش مانند معبدش زندگی کند.» توجه کنید که این عبارت بعدی بسیار مهم است زیرا بسیار قابل توجه است: «ریزش روح القدس، پس از خلقت و تجسم، سومین کار بزرگ خداست.» همانطور که باوینک گفت، سه کار بزرگ خدا وجود دارد: خلقت، تجسم و ریزش روح القدس. این یک رویداد بسیار مهم است. این هدیه خارق‌العاده روح القدس بارها در عهد عتیق وعده داده شده است، بنابراین شما نمی‌خواهید اهمیت آنچه در پنطیکاست اتفاق افتاد را کم اهمیت جلوه دهید. به نظر من آنچه از روز پنطیکاست تا به امروز در زندگی و تجربه هر مؤمنی اتفاق می‌افتد، همین است. در روزهای آخر، ریزش مداوم روح القدس بر همه کسانی که در این بدن واحد احیا شده‌اند و سپس توانمندسازی آنها برای گسترش انجیل وجود دارد. این همان چیزی است که در مورد آن صحبت می‌شود.

یوئیل 2:31 و کار روح در اعمال رسولان

بیا بید کمی جلوتر برویم، روز خداوند در یوئیل فصل ۲ آیه ۳۱ ذکر شده است، همانطور که در نیز ذکر شده بود. به نظر من، این سه آیه درباره آمدن روز خداوند صحبت می‌کنند. با این حال، در ۲:۱۱ اینجا، این روز پس از ریزش روح و نشانه‌های کیهانی در آسمان‌ها می‌آید. بنابراین، این متن جایگاه مهمی در ترسیم پیشرفت تاریخ رستگاری دارد. در این متن می‌آموزیم که فرستادن روح مقدم بر روز آمدن خداوند خواهد بود. در این دوره که روح ریخته می‌شود، می‌توان چندین نکته را از این استنباط کرد. کمال پادشاهی خدا هنوز آشکار نشده است زیرا قبل از روز خداوند است.

و دوم، این دوره را می‌توان به درستی به عنوان دوره روح در روزهای آخر، زمان بین ظهورها، توصیف کرد. آنچه در ادامه این جزوه می‌آید، بحث در مورد کار روح است، به ویژه همانطور که در کتاب اعمال رسولان به تصویر کشیده شده است. روح، فیلیپ را به سمت خواجه اتیوپیایی هدایت کرد، روح، پطرس را به سمت کورنلیوس هدایت کرد، روح، کلیسا را به انطاکیه برد، روح، کلیسا را در مورد سوالات حیاتی ناشی از وظایف تبلیغی هدایت کرد، روح به پولس اجازه ورود به آسیا را نداد و غیره و غیره. بنابراین می‌دانید، برخی افراد نوشتند و گفتند که به جای عنوان «اعمال رسولان»، باید

عنوان «اعمال روح القدس» را داشته باشد، زیرا این همان چیزی است که در ادامه کتاب جریان دارد.

نظرات در مورد یونیل ۳: داوری بر ملت‌ها و نجات قوم خدا. ۵.

اجازه دهید خیلی سریع چند نکته در مورد متن سوم، یعنی یونیل فصل ۳ در کتاب مقدس انگلیسی و فصل ۴ در کتاب مقدس عبری، بیان کنم. این متن سوم در مورد آمدن روز خداوند است که من آن را با عنوان «داوری ملت‌ها و نجات قوم خدا» نامگذاری کرده‌ام. اجازه دهید چند نکته را بیان کنم، زیرا قصد نداشتم به طور مفصل به این موضوع بپردازم. این متن در کتاب مقدس انگلیسی شما، یونیل ۳: ۱-۲۱ و در کتاب مقدس عبری، فصل ۴ است.

یونیل ۱:۳ در آن روزها

دوباره برای معرفی این متن به یک زمان خاص اشاره می‌کنید، به یونیل ۱:۳ توجه کنید، «در آن روزها و در آن زمان». در چه روزها و در چه زمانی؟ فکر نمی‌کنم دوباره مثل متن قبلی باشد که به آنچه قبلاً گفته شد اشاره می‌کند. فکر می‌کنم «در آن روزها و در آن زمان» واقعاً با آنچه در آیه اول آمده است تعریف می‌شود: «در آن روزها و در آن زمان، هنگامی که بخت یهودا و اورشلیم را بازگردانم، همه ملت‌ها را جمع خواهم کرد و آنها را به دره یهوشافاط خواهم آورد.» بنابراین، «در روزهایی که این کارها را انجام می‌دهم.» بنابراین، تعیین زمان به عبارت زیر اشاره دارد نه به آنچه بلافاصله قبل از آن آمده است؛ و این عبارت، سومین متن را که روز آمدن خداوند را توصیف می‌کند، معرفی می‌کند.

بنابراین، یونیل می‌گوید: «در آن روزها، در آن زمانی که بخت یهودا و اورشلیم را دره یهوشافاط بازگردانم، ملت‌ها را جمع خواهم کرد و آنها را به دره یهوشافاط خواهم آورد. در آنجا در مورد میراث خود، قوم خود اسرائیل، علیه آنها داوری خواهم کرد.» دره یهوشافاط کجاست، جایی که خداوند همه ملت‌ها را جمع کرده و آنها را داوری خواهد کرد؟ برخی بر اساس دوم تواریخ ۲۶:۲۰، می‌گویند که منظور دره برکت است، جایی که یهوشافاط مؤببان و عمونیان را شکست داد. مشکل این است که این دره، دره یهوشافاط نامیده نمی‌شود، بلکه دره برکت نامیده می‌شود. اگر در مورد نام «دره یهوشافاط» تأمل کنید، یهوشافاط به معنای «خداوند داوری کرده است» است. ریشه عبری آن *شافات* و پیشوند آن خداوند داوری کرده بود» است. از آنجایی که این دره محل داوری خداوند است، می‌توان این نام را به «عنوان نمادی از داوری در نظر گرفت، نه به عنوان یک نام مکانی جغرافیایی. اگر به آیه ۱۴ مراجعه کنید، اشاره مشابهی خواهید داشت: «جمعیت، جمعیت، در دره داوری، زیرا روز خداوند در دره داوری نزدیک است.» بنابراین مطمئن نیستم که باید سعی کنیم آن را به یک مکان جغرافیایی دقیق متصل کنیم.

این مکانی است که خداوند در آن علیه ملت‌هایی که علیه اسرائیل جمع شده‌اند، داوری خواهد کرد.

آیه ۲ درباره تمام ملت‌هایی صحبت می‌کند که خداوند با آنها داوری یوئیل ۲:۳ - داوری بر ملت‌ها خواهد کرد. حال آن داوری چیست؟ چه کسی قرار است داوری شود؟ به نظر من داوری صرفاً پیروزی است که خداوند در ظهور خود با قدرت و جلال به دست خواهد آورد، زمانی که دشمنان اسرائیل بازگشته، قبل از تأسیس پادشاهی هزار ساله، برای جنگ آماده می‌شوند. البته این فرض را در نظر می‌گیرد که چیزی به عنوان پادشاهی هزار ساله وجود دارد. من این را به متونی مانند زکریا ۱۴:۲ ربط می‌دهم که در آن می‌خوانید: «من تمام ملت‌ها را در اورشلیم جمع خواهم کرد تا با آن بجنگند. شهر تصرف خواهد شد، خانه‌ها غارت می‌شوند، زنان مورد تجاوز قرار می‌گیرند. نیمی از شهر به تبعید خواهند رفت و بقیه مردم از شهر بیرون برده نخواهند شد. سپس خداوند بیرون خواهد رفت و با آن ملت‌ها خواهد جنگید، همانطور که در روز نبرد می‌جنگد. در آن روز پاهای او بر کوه زیتون خواهد ایستاد،» که همان آمدن دوم است. به نظر من این به فصل ۲ برمی‌گردد. می‌توانید آن را با مکاشفه ۱۹ نیز مرتبط کنید.

وقتی کمی در متن جلوتر می‌روید، در آیه ۹ می‌خوانید: «این را در میان ملت‌ها اعلام کنید، برای جنگ آماده شوید، جنگجویان را برانگیزید، بگذارید همه مردان جنگجو نزدیک شوند و حمله کنند. گاوآهن‌های خود را به شمشیرها و قیچی‌های هرس خود را به نیزه‌ها تبدیل کنید.» به معکوس متن اشعیا توجه کنید؟ نیزه‌های خود را به گاوآهن تبدیل کنید؛ این معکوس آن است. «بگذارید ضعیفان بگویند: «من قوی هستم.» همه ملت‌ها از هر طرف به آنجا جمع شوند. جنگجویان خود را بیاورید، بگذارید ملت‌ها برانگیخته شوند، بگذارید به دره یهوشافاط پیشروی کنند، زیرا من در آنجا خواهم نشست تا همه ملت‌ها را از هر طرف داوری کنم.» آن داوری صرفاً پیروزی است که خداوند بر ملت‌هایی که علیه اسرائیل جمع شده‌اند، به دست می‌آورد. بنابراین نبرد و محاکمه یک چیز هستند. بنابراین فکر می‌کنم نظراتم را با آن می‌گذارم، اما این سومین متنی است که آمدن روز خداوند را در ارتباط با این داوری ملت‌ها توصیف می‌کند.

رونویسی توسط آدری دیاس  
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت  
ویرایش نهایی توسط کیتی الیز  
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت